



## تست «قدرت زیرکانه» در خاک ایران

محمد مهدی اسلامی  
دبیر ویژه نامه

کرده و آنها را مقهور خود کنند. اتفاقی که با نفوذ استاروسلسکی، تبعه روسیه اما همپیمان با انگلیس پس از سقوط روسیه تزاری، و سپس رضاخان در قزاقخانه از بعد ساختاری دنبال شد و با محوریت سید ضیاء الدین طباطبایی در بعد رسانه‌ای دنبال گردید. از جمله اهداف «قدرت زیرکانه» گسترش سردرگمی و تحریف فضای سیاسی در دموکراسی‌ها است. دقیقاً اتفاقی که در کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ رخ داد و موجب شد هنوز پس از یکصد سال، برخی بر اساس آن تحریف فهم درستی درباره شیوه به شکست رساندن پروژه مردم‌سالاری در ایران نداشته باشند. پروژه‌ای که از مشروطه شروع شده بود و در ماجرای قرارداد ۱۹۱۹ نشان داد منافع استعماری انگلستان را با خطرات جدی مواجه خواهد کرد. این بازی، آن قدر دارای زوایای مغفول مانده است که پس از یک قرن همچنان ابعاد کمتر خوانده شده‌ای از آن باقی مانده است. در این ویژه نامه، تلاش شده است تا حدودی از زوایای مغفول مانده، بر آن نگاه شود، حادثه‌ای که بازخوانی درست آن بی‌شک در بخشی از نگاه‌های امروزمین مانیز مؤثر است.

در حد فاصل «بازی بزرگ» که ایران میان دو قدرت روس و انگلیس تقسیم شد تا دکترین ترومن درباره تقسیم دنیا به بلوک شرق و غرب که عملاً آغازگر جنگ سرد به رهبری دو قطب آمریکا و شوروی و متحدان و وابستگان آنها پس از جنگ جهانی دوم بود، روزهای سرنوشت سازی بر این مرز و بوم گذشت.

در این سالها، انگلستان بازی پیچیده‌ای را در ایران به اجرا گذاشت که ظاهر آن، نقش آفرینی قزاقخانه روسی الاصل و با محوریت رضاخان میرپنج بود؛ اما در پس پرده، انگلستان با زیرکی برنامه شکست خورده و انگلیسی قرارداد ۱۹۱۹ را با ظاهری ایرانی در ایران به اجرا درآورد.

شاید بتوان آنچه را که آن روز از سوی انگلستان در ایران دنبال شد شکل اولیه‌ای از «قدرت زیرکانه» دانست. این اصطلاح که در ادبیات سیاسی تازگی دارد، در آن زمان تئوریزه نشده بود، اما شباهت زیادی به مدل رفتاری انگلستان در آخرین روزهای سده پیش دارد.

در «قدرت زیرکانه» مانند «قدرت نرم»، «جلب قلب و ذهن» هدف نیست، بلکه سعی دارند با عملیات اطلاعاتی به حوزه‌های ساختار سیاسی و رسانه ای سایر کشورها نفوذ